



## ورزشکار و سرباز

به یک ورزشکار فکر کنید. او به احتمال زیاد میخواست کسی شود که از دوران جوانی او را الگوی خود قرار داده بود. شاید در آن زمان فکر می کرد: من می خواهم مانند او قهرمان شوم. من به دنبال کسب مدال طلا هستم! اما تمرین ها و آموزش های زیادی باید انجام شود. برای رسیدن به این مرحله، باید بر مشکلات زیادی غلبه کرد. هدف کسب مدال طلا همراه با افتخار و شهرت است، حتی برای به دست آوردن آن باید تمام تلاش خود را بکنید. با چنین پاداش بزرگی که پیش روی شماست، می توان بزرگترین فداکاری ها را انجام بدهید.

سربازی که برای مبارزه با دشمنی که به دنبال اشغال کشور است فراخوانده می شود، باید آموزش ببیند. او باید هر چیزی را که برایش عزیز است رها کند. در نتیجه او به میدان جنگ می رود زیرا برای هدف بالاتر از زندگی خود می جنگد. بسیاری از سربازان، با وجود دانستن اینکه شاید بمیرند، ولی با آنهم برای آزادی کشور خود می جنگند. با این حال آنها حاضرند بهای این فداکاری را بپردازند زیرا می دانند که عزیزانشان در خانه، و ممکن است ملت خودشان، آینده بهتری در پیش داشته باشند.

## کنار گذاشتن همه چیز

عیسی از آسمان به زمین فرود آمد تا پادشاهی خدا را اعلام و نشان دهد. او وقتی به زمین آمد وظیفه ای روشنی داشت که باید انجام می داد. عیسی آمد تا بشریت را نجات دهد، تا آنها را فدیه بدهد و زندگی ابدی به آنها بدهد. او همه چیز را در آسمان پشت سر گذاشت، یعنی حضور پدر و جلال او. او حتی حاضر بود برای رسیدن به هدفش جان خود را فدا کند. درست مانند یک ورزشکار یا یک سرباز، او مجبور بود از همه چیزهایی که درین راه مانع او می شدند، را کنار بگذارد تا به خواسته خود جامه عمل بپوشاند.

## عیسی برای رسیدن به هدف عالی اش چه چیزی را کنار گذاشت؟

عبرانیان ۱۲: ۲

## مرد جوان و ثروتمند

متی ۱۹: ۱۶-۲۲

جوان پولدار می خواست به چه هدفی برسد؟

مرد جوان چگونه فکر می کرد که می تواند به این هدف برسد؟

جوان برای رسیدن به هدفش باید چه می کرد؟

برای به دست آوردن گنج (پادشاهی خداوند) همه چیز را پشت سر بگذارید. تصور کنید که یک زوج جوان تصمیم به ازدواج می گیرند. مرد بسیار ثروتمند است اما زن چیز زیادی ندارد. تصور کنید که آن مرد می گوید می خواهد ازدواج کند اما همه چیزش در مالکیت شخصی خودش می ماند. این خانم می تواند در یک خانه بسیار کوچکی در نزدیک عمارت او زندگی کند. این بسیار عجیب خواهد بود. بالاخره ما در مورد رابطه ای صحبت می کنیم که در آن عشق و وفاداری به یکدیگر بسیار مهم است. در چنین حالتی شما همه چیز را با هم تقسیم می کنید.

عیسی همه چیز را رها کرد زیرا هدف بالاتر از خود داشت. آن هدف بالاتر برای پیروان او نیز وجود دارد. برای رسیدن به آن هدف، او از پیروانش می خواهد که مانند خودش زندگی کنند و از هر چیزی که می تواند آنها را از پادشاهی باز دارد، دست بکشند.

مرد جوان ثروتمند فکر میکرد که میتواند با رعایت شریعت وارد پادشاهی شود. او نمیدانست که آن (پادشاهی) در مورد یک رابطه است. دارایی های او مهمتر ازین رابطه بود. عیسی می خواهد با شما رابطه برقرار کند. سپس میتوانید وارد پادشاهی آسمان شوید.

همه چیز؟

لوقا ۱۴: ۲۶، ۲۷، ۳۳

در این متن ما شاهد همین اصل هستیم. تصور کنید که یک مردی تازه ازدواج کرده مدام توسط مادرش فراخوانده می شود. مادر مدام به مرد می گوید که چه کاری باید انجام دهد و چه کاری خوب است و چه چیزی خوب نیست. این باعث ایجاد اصطکاک زیادی بین دو شریک زندگی می شود. زن نمی خواهد در زندگی شوهرش جایگاه دوم را بگیرد.

عیسی از شما می خواهد که هیچ چیز در زندگی شما مهمتر از خودش نیست. او به خوبی می داند که سرگرمی ها، داشتن دارایی های زیاد و حتی مردم می توانند شما را از داشتن یک رابطه خوب با عیسی باز دارند. رابطه با عیسی می تواند تأثیر مثبتی بر تمام روابط دیگر زندگی شما داشته باشد زیرا پادشاهی خدا از طریق شما روی زمین قابل دید می شود.

اگر افراد خانواده شما مخالف تصمیم شما برای پیروی از خدا هستند، ادامه انتخاب عیسی می تواند واقعاً دشوار باشد. اگر پول، ورزش یا سرگرمی ها مهمتر از عیسی باشد، پیروی از او و دوست داشتن او دشوارتر می شود. عیسی شما را به عنوان شاگرد خود می جوید. او فیض خود را به شما می دهد تا بتوانید به پادشاهی ای که رایگان است وارد شوید. اما او از شما می خواهد که در زندگی تان جایگاه اول را داشته باشد و هزینه این کار شاید به قیمت همه چیز تان تمام شود.

## تمرین

فهرستی از همه افراد و چیزهایی که برای شما بسیار مهم هستند را برای خود تهیه کنید. از خود بپرسید که آیا این افراد یا چیزها مانع ارتباط شما با عیسی هستند یا خیر. اگر هستند، برای تغییر آن چه کاری می توانید انجام دهید؟

از روح القدس بخواهید که شما را در این امر راهنمایی کند. از روح القدس بخواهید که قلب شما را جستجو کند و به آنچه می خواهد به شما بگوید، گوش دهید.

با مری خود متی ۱۳: ۴۴-۴۵ را بخوانید. با هم روی آن بحث کنید که معنی آن می تواند چه باشد. خود را مردی تصور کنید که گنج را می خرد. و خدا را به عنوان تاجری تصور کنید که مروارید را می خرد.

با مری خود صحبت کنید که می خواهید کدام بخش ها را رها کنید تا از صمیم قلب از عیسی پیروی کنید.

## اصل پانزدهم

عیسی همه چیز را رها کرد زیرا هدف بالاتری در پیش خود داشت. آن هدف بالاتر برای شاگردان او نیز وجود دارد. برای رسیدن به آن هدف، او از شاگردانش می خواهد که مانند خودش زندگی کنند و از هر چیزی که می تواند آنها را از پادشاهی باز دارد، دست بکشند.



<sup>۴۵</sup> پادشاهی آسمانی همچنین مانند تاجری است که در جستجوی مرواریدهای زیبا بود. <sup>۴۶</sup> وقتی که مروارید بسیار گرانبهائی پیدا کرد، رفته تمام دارایی خود را فروخت و آن را خرید.

### عبرانیان ۱۲: ۲

<sup>۲</sup> به عیسی که ایمان ما را به وجود آورده و آن را کامل می گرداند، چشم بدوزیم. چون او به خاطر خوشی ای که در انتظارش بود، متحمل صلیب شد و به رسوایی مردن بر روی صلیب اهمیت نداد و بر دست راست تخت خدا نشست.

### متی ۱۹: ۱۶ - ۲۲

<sup>۱۶</sup> در این هنگام مردی پیش آمد و از عیسی پرسید: «ای استاد چه کار نیکی باید بکنم تا بتوانم زندگی ابدی را به دست آورم؟» <sup>۱۷</sup> عیسی به او گفت: «چرا درباره نیکی از من سؤال می کنی؟ فقط یکی نیکو است. اما اگر تو می خواهی به زندگی راه یابی، احکام شریعت را نگاه دار.» <sup>۱۸</sup> او پرسید: «کدام احکام؟» عیسی در جواب فرمود: «قتل نکن، زنا نکن، دزدی نکن، شهادت دروغ نده، <sup>۱۹</sup> احترام پدر و مادر خود را نگاه دار و همسایه ات را مانند خود دوست مدار.» <sup>۲۰</sup> آن جوان جواب داد: «من همه اینها را نگاه داشته ام، دیگر چه چیزی کم دارم؟» <sup>۲۱</sup> عیسی به او فرمود: «اگر می خواهی کامل باشی برو، دارایی خود را بفروش و به فقرا بده تا برای تو در عالم بالا ثروتی اندوخته شود. آن وقت بیا و از من پیروی کن.» <sup>۲۲</sup> وقتی آن جوان این را شنید با دلی افسرده از آنجا رفت زیرا ثروت بسیار داشت.

### لوقا ۱۴: ۲۵ - ۳۳

<sup>۲۵</sup> در بین راه جمعیت بزرگی همراه عیسی بود. او به آنها رو کرد و فرمود: <sup>۲۶</sup> «اگر کسی پیش من بیاید و از پدر و مادر، زن و فرزند، برادران و خواهران و حتی جان خود دست نشوید نمی تواند شاگرد من باشد. <sup>۲۷</sup> کسی که صلیب خود را بر ندارد و با من نیاید نمی تواند شاگرد من باشد. <sup>۲۸</sup> اگر کسی از شما به فکر ساختن یک برج باشد، آیا اول نمی نشیند و مخارج آن را برآورد نمی کند تا ببیند آیا استطاعت تمام کردن آن را دارد یا نه؟ <sup>۲۹</sup> در غیر اینصورت اگر پایه آن را بگذارد و بعد نتواند آن را تمام کند همه کسانی که آن را ببینند به او خواهند خندید <sup>۳۰</sup> و خواهند گفت: «این مرد ساختمانی را شروع کرد ولی نتوانست آن را تمام کند.» <sup>۳۱</sup> یا کدام پادشاهی است که به جنگ پادشاه دیگری برود بدون آنکه اول بنشیند و مطالعه کند که آیا با ده هزار سپاهی می تواند با یک لشکر بیست هزار نفری مقابله کند؟ <sup>۳۲</sup> و اگر نتواند، او خیلی زودتر از اینکه دشمن سر برسد سفیری می فرستد و تقاضای صلح می کند. <sup>۳۳</sup> همچنین اگر شما حاضر نیستید تمام هستی خود را از دست بدهید نمی توانید شاگرد من باشید.

### متی ۱۳: ۴۴ - ۴۶

<sup>۴۴</sup> پادشاهی آسمانی مانند گنجی است که در مزرعه ای پنهان شده باشد و شخصی تصادفاً آن را پیدا کند. او دوباره آن را پنهان می کند و از خوشحالی می رود، تمام اموال خود را می فروشد و برگشته آن مزرعه را می خرد.